

مقدمه‌ای بر شناخت هویت شهری بافت قدیم کرمان

نویسندگان: دکتر مصطفی بهزاد فر (دانشگاه علم و صنعت)
دکتر وراز مرادی مسیحی (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی)
مریم مقدم قارویری (کارشناس ارشد شهرسازی)

تعریف هویت

از دیدگاه واژه‌شناسی معانی کلمه هویت در چند فرهنگ فارسی و انگلیسی جستجو شده است. فرهنگ معین هویت را، ذات باریتعالی، هستی و وجود معنی می‌کند و نیز هویت را موجب شناسایی شخص می‌داند، مثل ورقه هویت یا شناسنامه، در این فرهنگ همچنین معنای فلسفی هویت را چنین می‌آورد: «در فلسفه هویت به حقیقت جزئیة اطلاق شده است، یعنی هر گاه ماهیت با تشخیص، لحاظ و اعتبار شود، هویت گویند و گاه هویت به معنای وجود خارجی است و مراد تشخیص است و هویت گاه بالذات و گاه بالعرض است»^۱.

در لغت نامه دهخدا نیز تعاریف مختلفی برای هویت آورده شده است که یکی از آنها اشاره به ذات خداوند است. همچنین معنای فارسی هویت را تشخیص ذکر می‌کند، تشخیص به معنای جدا و ممتاز شدن، تعیین یافتن، انفراد شخصیت و بزرگی و «آنچه بدان چیزی از غیر خود ممتاز شود»^۲. در سایر فرهنگ‌های لغت فارسی نیز کم و بیش ویژگی یا کیفیتی که موجب تمایز و شناسایی کسی یا چیزی از دیگران شود از تعاریف مشترک هویت است. به عبارت دیگر در واژه‌شناسی فارسی، هویت نوعی تعیین یافتن است.

در بررسی مفهوم هویت در فرهنگ‌های لغات انگلیسی نیز کندوکاوی می‌کنیم. فرهنگ آکسفورد در تعریف واژه هویت (Identity) یکسانی در کیفیت یا خصوصیات شرایط طبیعی، یکسانی و یگانگی همانند بودن شخصی یا چیزی در همه زمان‌ها و همه شرایط و اوضاع، وضعیتی که موجب تشخیص کسی از دیگری شود، فردیت شخصیت، وجود شخصی و فردی و خود همان چیزی تعریف و عنوان شده است. همچنین در این فرهنگ اشاره شده است

چکیده: یکی از مسائل مهم شهرسازی امروز رو به زوال رفتن هویت شهرهاست، شهر کرمان یکی از شهرهایی است که با وجود داشتن پیشینه و قدمتی قابل توجه در شرف فراموشی هویت گذشته خویش است، در این مقاله سعی شده با نگاهی بر بافت قدیم کرمان و بررسی نقاط قوت و ضعف آن، راهکارهایی بر حفظ و تداوم هویت کالبدی شهر ارائه گردد.

کلمات کلیدی: هویت، هویت شهری، هویت کالبدی، شهر کرمان، بافت قدیم شهر کرمان

مقدمه

هنگامی که از هویت سخن به میان می‌آید، بسته به آن که از چه دریچه‌ای و در حوزه چه علمی به آن نگریسته شود، تعاریف گوناگونی بدست خواهد آمد. هویت مفهوم پیچیده‌ای دارد و هم از این رو است که تعریف آن دشوار می‌باشد، مفهوم هویت رامی‌توان در حوزه‌های فلسفه و فرهنگ، جامعه‌شناسی و روانشناسی فردی و اجتماعی و واژه‌شناسی جستجو کرد که ورود به برخی از این حوزه‌ها بسیار دشوار است و نیازمند مطالعات وسیعی است که این مقاله ادعایی بر آنها ندارد. مقاله حاضر سعی دارد تا ضمن ارائه تعریف روشن از هویت، هویت شهری بافت قدیم کرمان را مورد بررسی قرار دهد، شهری که مانند بسیاری از شهرهای ایران با وجود قوانین معماری و شهرسازی و ضوابط مربوط به آن، همچنان پاره‌ای مسائل و مشکلات خود دارا است، کاستی‌هایی که شاید در شهر کرمان پر رنگ‌تر از سایر شهرها دیده می‌شود، ناتوانی شهر در به نمایش گذاشتن زیبایی‌های خود و کمرنگ شدن روز افزون هویت کالبدی شهر.



که در حوزه منطبق هویت به عنوان قانون یا اصل اتحاد یا همان اصل «این همانی» تعریف می‌شود. تعریف فرهنگ وبستر نیز بر همانندی و تشابه، ویژگی متمایز کننده و حالتی از تشابه با چیزی که بیان شده یا ادعا شده دلالت دارد.

با توجه به تعاریف فوق تاکید بر «این همانی» و همانندی با خود و تشخیص و تمایز با غیر خود مشخص است. اصطلاح «این همانی» یکی از اصطلاحات معروفی است که در بسیاری موارد متعارف واژه هویت به کار گرفته می‌شود. از این رو واژه «همان» نیز در فرهنگ‌های فارسی مورد توجه قرار گرفت، در فرهنگ معین در معنی همان چنین آمده است «آنچه قبلاً ذکر شده آنچه که در خاطر گوینده و شنونده معهود است»^۳

لغتنامه دهخدا نیز همان را «چیزی که مخاطب و متکلم بتواند از طریق آن ارتباط برقرار کند» معنی می‌کند.^۴

اگر به مفهوم هویت در حوزه فلسفه و فرهنگ غرب نظری افکنده شود، مشخص می‌شود مخصوصاً در قرون هفده و هجده، فلاسفه غرب در پی یافتن پاسخ برای سئوالات اصلی در رابطه با مفهوم هویت بوده‌اند، از جمله این سئوالات چستی پر معنا و منشأ واژه و نظریه هویت می‌باشد.

جان لاک فیلسوف قرن هجدهم، هویت را مقایسه وجود چیزی که در زمان و مکان مشخصی مشاهده شده است با همان چیز در زمان و مکان دیگر می‌داند در یک جمع بندی ساده می‌توان گفت در فلسفه غرب هویت یا identity بر فرایند احراز تشخیص با این همانی دلالت دارد.

یکی از حوزه‌هایی که می‌تواند راهگشای درک مسئله هویت باشد حوزه روانشناسی است. در روانشناسی احساس هویت یکی از مشخصات تبیین شخصیت است. همین جا لازم به ذکر است که در این حوزه «هویت» و «شخصیت» دو مفهوم جداگانه دارند، حال آنکه در بسیاری از تعاریف این دو مفهوم یکی انگاشته می‌شوند.

یکی از صاحب نظران روانشناسی که به تعریف هویت می‌پردازد، اریک اریکسون آلمانی است. وی در زمینه روانشناسی اجتماعی، مطالعات گسترده‌ای دارد، از ویژگی‌های جهت‌گیری نظری اریکسون، تاکید بر تغییر رشدی^۵ در سرتاسر طول عمر انسان، تمرکز بر سلامت به عوض آسیب‌شناسی، تاکید ویژه بر اهمیت به دستاورد احساس هویت و تلاش برای ایجاد پیوند با عوامل فرهنگی و تاریخی در تبیین سازمان شخصیت است. اریکسون هویت خواهی را از مشخصه‌های بلوغ می‌داند و بر ماهیت روانی اجتماعی هویت خود^۶ تاکید دارد وی هویت را در مقابل اغتشاش نقش قرار می‌دهد و آن را سرمایه درونی تضمین شده‌ای می‌داند که تمامی تجربیات هر

یک از مراحل متوالی زندگی را در بر می‌گیرد. از این رو حس هویت خود، اطمینان تضمین شده‌ای است که توانایی شخص را برای نگهداشتن یکنواختی و انسجام درونی از طریق یکنواختی و پیوستگی معنای شخص برای دیگران تامین می‌کند. ۷ با این تعریف اریکسون سه عنصر درگیر در شکل‌گیری هویت مشخص می‌کند:

■ نخست آنکه افراد باید خود را به گونه‌ای درک کنند که دارای پیوستگی و یکنواختی باشند بدین معنا که آنها باید به مرور زمان خود را به گونه‌ای تجربه کنند که مشخص شود اساساً همان اشخاصی هستند که تا به حال بوده‌اند.

■ دوم آن که دیگران نیز باید در محیط‌های اجتماعی، پیوستگی و یکنواختی فرد را درک کنند یعنی وحدت درونی ایجاد شده را دیگران نیز تشخیص دهند.

■ سوم آن که فرد باید نسبت به هماهنگی بین خطوط پیوستگی درونی و بیرونی خویش اطمینان حاصل نماید و خود ادراکی وی باید به وسیله باز خورد مناسب از تجارب بین فردی وی با محیط اطراف اعتبار یابد.^۸

گوردون آلپورت روانشناس آمریکایی نیز هویت را به شکل «بازشناسی شخصی از خود به عنوان نقطه مرجعی متمایز و ثابت نسبت به دیگران» تعریف می‌کند.^۹

شاید تعریف هویت در حوزه جامعه‌شناسی از مرتبط‌ترین تعاریف به حوزه تعاریف و مفاهیم کالبدی یا هویت شهری و هویت شهروندی باشد. در تعاریف پیش گفته بیشتر تعاریف مرتبط با هویت فردی تکیه شده بود، در حالی که در جامعه‌شناسی مفاهیم مرتبط با هویت جمعی نیز مطرح می‌شود. مباحث مربوط به روانشناسی اجتماعی و تاثیر الگوهای رفتاری بر شکل‌گیری فضاهای شهری، به نظریات جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی بسیار نزدیک است. در جامعه‌شناسی «هویت جمعی» را تلاشی برای تداوم و تمایز حیات مادی و

ضرورت شناخت هویت شهر

هویت شهر، هویت تحول مستمر انسان در محور زندگی جمعی است. ۱۲ شهرها و اجزاء عناصر آنها، ابزارهای فرهنگی موثری هستند که با نوعی سازگاری اجتماعی بی صدا، رفتار خود و جامعه را تشکیل می‌دهند. در این حالت، فضایی خلق می‌شود که افراد و جامعه بتوانند به نحو مطلوب هنجارها و رفتارهای خود را در آن سامان دهند.

شخصیت یک شهر با مولفه‌های متفاوتی تعریف و توصیف می‌گردد. بر مبنای تفاوت شکل، محتوی و عملکرد مولفه‌ها می‌توان شهرها را در گروه‌های مختلفی جای داد. این مولفه‌ها که به نوعی ساختار ماهوی شهر را تشکیل می‌دهند، از شهری به شهری دیگر متفاوت می‌باشند. ۱۳

همه شهرها از متغیرهایی چون پایگاه جغرافیایی، ابعاد و اندازه، شکل، تعداد جمعیت، کیفیات بصری، کیفیات زیستی و مشابه برخوردار هستند. شهرهای مختلف می‌توانند بر مبنای موقعیت جغرافیایی، وضع سیاسی، ابعاد و اندازه هندسی، تعداد جمعیت، کیفیات بصری و زیستی و نحوه‌اندیشیدن شهروندان از همدیگر متمایز شوند. بنابراین شهرها و اجزاء عناصر آن می‌توانند هر کدام از صفات و ویژگی‌های فردی خاصی برخوردار باشند که معرف هویت آنها است.

بنابراین ضرورت شناخت هویت شهرها از دو منظر قابل تاکید می‌باشد. اولاً، بی توجهی به هویت شهرها ممکن است عواقب ناخواسته‌ای را بر پیکره حیاتی شهروندان وارد آورد.

ثانیاً، شناخت هویت شهرها (آنگونه که هست) می‌تواند تا حد زیادی به شناخت ویژگی‌هایی که خاص یک شهر است ختم گردد. ۱۴



نمای ناهمگون و نامتناسب با بافت محله، زمین بایر رها شده (صدمه به سیمای محله)

معنوی افراد جامعه دانسته و مکان و محیط پیرامون را در شکل گیری هویت اجتماعی بسیار موثر قلمداد می‌نمایند در واقع مکان و گروه را موجب انجام کنش‌های متقابل بین فرد و فضا بر می‌شمرند.

خاستگاه هویت شهر

شهر، پدیده‌ای سرزمینی، تکوین یافته در تاریخ، حاصل فرهنگ و جلوه فضایی نقش‌های انسان در محیط جغرافیایی است. اولین شهرها زمانی که جوامع ابتدایی از توان تولید نگهداشت و داد و ستد ارزش افزوده بهره‌مند شدند بنا نهاده شدند لیکن اشکال و روش‌های مختلف ساخت آنها ضمن آنکه پاسخی است به نیازهای فردی و جمعی ساکنان شهر، برخوردار از ویژگی‌هایی است که نشان از درک متفاوت جوامع گوناگون از هستی و خلقت نیز دارد.

از این رو مجتمع‌های زیستی همراه با نفس وجودی خود نقش و مهر فرهنگ سازندگان خود را همراه دارند فرهنگی که به این ترتیب دو وجه مادی و غیر مادی برای آن می‌توان قائل شد به گونه‌ای که وسایل، ابزارهای زندگی و کالاهای مادی و شیوه تولید آنها را می‌توان جزئی از «فرهنگ مادی» و رسوم، اعتقادات، علوم و هنرها و هنجارهای اجتماعی را، اجزاء «فرهنگ غیر مادی» یا «فرهنگ معنوی» جوامع شهرنشین بر شمرد.

لیکن تاریخ تمدن و سیر تکامل اندیشه بشر، دست کم در نمود و تبلور فضایی آن در محیط‌های شهری گویای آن است که عواملی مانند الگوی حفاظت از امنیت شهرها، محیط طبیعی و اقلیم، شیوه‌های تولید انحصاری معاش، کیفیات علمی، مناسبات و منازعات طبقات اجتماعی و مناسبات بین شهرها و ... خود نیز در تشکیل باورها، بینش‌ها و هنجارها نقش داشته و فرهنگ شهرنشینی و شهرسازی همراه با تحولات اجتماعی، دگرگون و نو شده است.

همزمان با تحولات انقلاب صنعتی و نگرانی‌های ناشی از مسائل اجتماعی و انسانی گسترش شتابان شهرها، نظام‌های علمی و دیدگاه‌هایی که در رابطه جامعه و محیط ایده‌نظری داشتند ضرورت و رواج یافتند و با سرعت در تغییر و تحول شهرها، خود نیز تغییر یافتند اندیشمندانی مانند کانت، مارکس، لوفور و پس از آن هاروی و گیدنز با تمرکز بر مسائل اجتماعی شهرها، اثرات راهبردی جهت گیری انباشت سرمایه را بر صنعت و تجارب و بر سیاست‌های اساسی تجدید ساختار شهرها مورد کندوکاو قرار دادند.

دیدگاه گذشته‌گرا، با مخالفت نفوذ تمدن صنعتی در محیط شهری و اعتقاد به برخورداری شهر از معنای فرهنگی و پیوند روشن با طبیعت اطراف خود و گزینش مدل مطلوب شهر از گذشته خود بیش از دیگر دیدگاه‌ها بر تداوم هویت شهر اصرار ورزیده است.

هویت بحران زده شهر ایرانی



بکارگیری سایه بان نا متناسب فلزی (انعکاس شدید نور)

برخی از اندیشمندان شهر امروزی را جایگاه و پایگاه آمیزش فرهنگها و تمدنها می دانند. به زعم آنان شهر مدرن و پسامدرن، و به عبارت دیگر شهر آغاز هزاره سوم میلادی، کانونی است که تنوعی از فرهنگها در بستان آن ترکیب شده و سپس در پوشش یک درخت واحد رشد خواهند کرد. به عبارت دیگر شهر آینده هویتی دارد که از تکثر فرهنگها بر می خیزد. از این پس همه شهرها از یک هویت برخوردار می گردند. از منظر آرمان گرایی، در عصر انقلاب اطلاعات و فضای هوشمند و مجازی از شهر انتظار دیگری جز این نیست. اما وقتی که اکثریت شهرنشینان جهان، به ویژه در کشورهای جهان سوم، حاشیه نشین فضاهای هوشمند و مجازی و انقلاب اطلاعاتی هستند، نمی تواند از هویت واحد سخن گفت. حتی اگر به نقطه آرمانی ذکر شده نیز دست پیدا کنیم، نمی توان ویژگیها و مختصات خرده فرهنگها را، که آبشخور بوم آورد هویت شهرها بوده و عناصر متمایز کننده هزاران شهر هستند، را از نظر پنهان داشت.

بعلاوه، فروید گفته است که آمیختگی ناهمگون فرهنگهای مختلف با یکدیگر توحش می آورد نه تمدن. نزدیک به یک قرن است که قدرتهای سیاسی تلاش کردند شخصیت شهرهای ایرانی را از طریق تزریق آموزه های فرهنگی ناهمگون و آمیزه های کالبدی نامیمون تغییر دهند. فرهنگ مدرن از طریق سمبل های کالبدی با زور در جسم فرسوده شهر ایرانی تزریق شده است. امروزه تقریباً تمامی شهرهای ایران با یک صورت کالبدی خود را معرفی می کنند. ابتدا منظرهای عینی نسبتاً تقلیدی در صورت کالبدی الگوسازی می شوند و سپس بوسیله شهرهای دیگر کپی برداری می گردند. برای مثال، کرمان سعی کرده است الگوی زندگی مدرن و پسامدرن قرن بیستم و بیست و یکم باشد و شهرهای دیگر نیز سعی کرده اند کرمان باشند.^{۱۵}

اگر هویتی برای شهر ایرانی سراغ بگیریم، منظری است که خود بازتاب ترکیب عملکردها و رفتارهای متعارض کنش های سنتی، ناسیونالیسم نوستالژیک ایرانی و مدرنیسم غربی می باشد.^{۱۶} شهر امروز ایرانی ویژگی هایی دارد که مخاطب با مشاهده آن نه تنها حس تعلق خاطرش نسبت به تشخص و کارائی عناصر هویتی آن بیشتر نمی شود بلکه فراموش می کند که در کدام شهر و با کدام روحیه و هویتی زندگی می کند. منظور این نیست که با شناخت خود شهر ایرانی در ناخودهای آن غرق شد. بلکه منظور این است که با شناخت مولفه هایی که بعضاً زمینه ساز همین ناخودهای هستند. برای ایجاد بنای جدیدی که قهراً در هزاره سوم میلادی سنت چندین

هزار ساله شهر ایرانی را استحکام می بخشند، تلاش نمود. هدف این است که معرف های هویتی شهرهای ایرانی به لباسی ملبس شوند که شاکله اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، زیست محیطی، زیباشناسی و فرهنگی آن تبلور پیشتازی در رشد و توسعه باشد.^{۱۷}

منطقه گرایی (Regionalism)

منطقه گرایی، دیدگاهی تحلیلی و انتقادی است که بر حفظ ویژگیها و خصوصیات خاص مکان تاکید دارد و از این لحاظ در مقابل جهانی شدن و سبک بین الملل قرار می گیرد، منطقه گرایی با مدرنیته تناقضی ندارد و حتی در مقابل معماری مدرن نیز قرار نمی گیرد، آنچه مورد مخالفت معماران منطقه گرا واقع شد مدرنیسم نیست، بلکه گرایش به سبک بین المللی است.^{۱۸}

به این ترتیب منطقه گرایی رویکردی است در طراحی که برای هویت خاص منطقه در مقابل خصوصیات علم جهانی اولویت قائل است.^{۱۹} اما این امر مانع پذیرش تأثیرات جهانی نیست. رویکرد اصلی منطقه گرایی آشتی دادن تأثیرات تمدن جهانی و مشخصه های ویژه مکانی است. به عبارت دیگر از آنجا که انسانها در عین تملک فرهنگ منطقه ای وارث و به وجود آورنده فرهنگ جهانی نیز هستند، باید شناختی از تعامل آن دو به دست آورند.^{۲۰}

وظیفه منطقه گرایی، تجدید نظر درباره معماری، با توجه به مفهوم منطقه است. این موضوع، هم به پیوندهای پیچیده انسانی مربوط می شود و هم به تعادل اکوسیستم و مسائل زیست محیطی. هدف منطقه گرایی، ایجاد تنوع در عین سود بردن از مزایای جهانی است.^{۲۱} به تعبیر دیگر، مسئله اساسی امروز ما، توجه همزمان به زندگی مشترک بین المللی و ویژگیهای خاص محل است.^{۲۲}

معماری منطقه گرا، ویژگی و اهمیت خاص معمارانه خود را از

نیز موجود باشد آن عنصر را عنصر مبهم می‌نامیم. ۲۴

دسته بندی عناصر هویتی به لحاظ کیفی

عناصر هویتی را از این نظر که به لحاظ کیفی دارای چه میزان ارزش هستند می‌توان به سه قسمت عناصر مثبت، منفی و یا خنثی تقسیم نمود. وقتی عنصر هویتی می‌تواند مثبت باشد که توانایی‌های خاصی را دارا بوده و بتواند برای حیات و معنی دار کردن شهر مفید و به لحاظ بار معنایی مثبت باشد. به طور مثال در زمینه جلب توریسم، زمانی در جهت منفی عناصر هویتی را دسته بندی می‌کنیم و گفته می‌شود که یک منطقه دارای هنجار منفی است که نه تنها هیچگونه ویژگی، موقعیت یا شرایط ویژه خاصی را در جهت پیشرفت و حفظ منافع ارزشمند جامعه دارا نبوده بلکه ممکن است باعث تخریب و ویرانی شرایط ویژه محیط شود.

در خصوص عناصر هویتی خنثی می‌توان به مثال هایی در جهت روشن بودن مطالب اکتفا کرد. وجه تسمیه یا طول و عرض جغرافیایی، با وجودی که در جهت دسته بندی خصوصیات از مولفه‌های هویتی به حساب می‌آیند اما به لحاظ ارزش گذاری، دارای بار ارزشی خنثی می‌باشند.

حال به چگونگی روند توسعه و ساخت بافت قدیم شهر کرمان می‌پردازیم و سپس عناصر هویتی آنرا بررسی می‌کنیم.

روند توسعه شهری کرمان و قانونمندی حاکم بر آن شهر کرمان دارای تاریخی طولانی در نیمه شرقی کشور است. این شهر چه از نظر شکل گیری و چه از نظر رشد و توسعه شهری دارای تاریخی پر فراز و نشیب میباشد، به گونه‌ای که مورخ اروپایی



نا مناسب بودن قرارگیری برخی از عناصر در دید ناظر

طریق ایجاد پیوند میان ترکیب بندی عناصر مصنوع، اصول زیبایی شناسانه، سازمان، فن و مصالح از یک سو و زمان و مکان مشخص از سوی دیگر جستجو می‌کند.

این یک تلاش فرهنگی و فنی است. هر مکان دارای شرایط کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خاص است، به علاوه میراث فرهنگی و معماری و تعاریفی طبیعی عملکرد معماری در ایجاد ارتباط میان ویژگیهای ذاتی خود به عنوان یک محصول فنی با شرایط مکانی و زمانی خاص، بیانگر پیوندی حیاتی میان فن آوری و فرهنگ می‌باشد. فرایند طراحی باید سنتزی از ترکیب‌های منتخب گروهی از پیوندهای عملکردی را شکل کالبدی دهد. ۲۳

ویژگی‌های هویتی شهرها

شناخت هویت هر شهر مشتمل بر شناخت مولفه‌های طبیعی، مولفه‌های مصنوعی، مولفه‌های انسانی می‌باشد. اما چون هدف این نوشته بررسی هویت بافت قدیم کرمان است پس به مولفه‌های مصنوع (انسان ساخت) می‌پردازیم.

مولفه‌های مصنوع

هر شهری از نقطه نظر هویت ساختاری - کالبدی در لایه‌های مختلف زمانی قابل بررسی می‌باشد. این هویت از زمانی که احتمالاً آن شهر به صورت یک روستا بوده تا امروز که به صورت یک شهر بزرگ عمل می‌کند، قابل پیگیری است. ابعاد بررسی هویت مصنوع هر شهری از تعمق در عناصر خطی کانونها، میداين، دروازه‌ها و ... تشکیل یافته است.

تفکیک عناصر هویتی از نظر درجه وضوح

عناصر هویتی از نقطه نظر میزان وضوح به سه دسته تقسیم بندی می‌شوند.

الف- عناصر کاملاً متمایز: اگر عنصری دارای موقعیت ویژه و ارزش هویتی منحصر به فرد بود و یا دارای خصوصیتی باشد که در هیچ جا، مشابه آن یافته نشود آنرا کاملاً متمایز می‌نامیم.

ب- عناصر نیمه متمایز: عنصری که در شهر به لحاظ فرم یا عملکرد و یا معنی بخش به عناصر دیگر شهری ارزشمند می‌باشد لیکن نمونه‌های آن را می‌توان در جاهای دیگر نیز مشاهده کرد، عنصر نیمه متمایز است.

ج- عناصر مبهم: اگر عنصری به لحاظ شفافیت ماهیت هویتی آن چندان آشکار نباشد و ویژگیهای هویتی آن در جاهای دیگر

اظهار داشته است، اگر کسی تاریخ کرمان را بخواند مثل این است که تاریخ ایران را خوانده است. تاریخ این شهر قبل از اسلام بیشتر محدود به قلاع (دختر و اردشیر) در شرق کرمان امروزی می‌شود. این نیز ناشی از شاخص‌های سکونت‌گزینی و احداث سکونتگاه‌های انسانی و شهری در آن دوره بوده است. پس از اسلام توسعه شهر به سمت غرب قلاع فوق کشیده می‌شود. در دوره سامانیان به دستور محمد بن الیاس حصار شهر قدیم کرمان که در محل باغ‌های زریسف و فرمتین قرار داشت، مرمت می‌شود؛ حصار که محدوده بین قلاع شرقی شهر و حصار شهر در دوره قاجاریه را در بر می‌گیرد. پس از روی کار آمدن سلجوقیان شهر به یکباره به سمت جنوب غربی تغییر مکان می‌دهد و به دستور توران شاه در خارج از شهر آن زمان «محلّه عادل شاه» احداث می‌گردد. پس از آن در دوره‌های مختلف حکومتی، به ویژه در دوره حکومت‌هایی که ثبات را بر منطقه حاکم می‌کردند و رونق اقتصادی به وجود می‌آوردند، محلاتی جدید احداث می‌شد که مورد توجه جدی قرار می‌گرفتند و محلات قبلی از مرکز توجه خارج می‌شدند. اما هیچ‌زمان ساختار اصلی شهر مورد خدشه واقع نمی‌شد به طوری که از دوران سلاجقه دیگر جابجایی و تضعیف ساختار شهر را شاهد نبوده‌ایم. هر محله‌ای در ارتباط با ستون فقرات قبلی شهر و محلات دیگر احداث می‌شد. اگر چه بافت شهری در دوره‌هایی خاص با مشکلاتی همراه می‌شد، در دوره دیگری مورد توجه واقع می‌گردید. به عنوان شاهد عینی، مجموعه‌های گنجعلی خان، وکیل، ابراهیم خان، حاج آقا علی هر کدام در دوره خود در کنار ساختار اصلی شهر قرار می‌گرفتند و با استفاده از توان‌ها و استعدادها ساخت قبلی شهر به تقویت آن ساخت و ایجاد ساخت جدیدی در راستای ساخت قبلی همت می‌گماشتند. به طوری که هیچ‌زمان ساخت شهر به دو یا سه ساخت تبدیل نمی‌شد و یا عناصر ساختاری شهر خود را بدون دلیل در محدوده‌های جدید و بدون ارتباط با ساخت قبلی شهر نمی‌دیدند. همان‌گونه که پیش از این گفته شد بافت قدیم شهر کرمان در طول تاریخ حدود ۱۳۰۰ ساله مشخص و در دسترس، هیچ‌گاه اصول اساسی توسعه شهری را فراموش نکرده است. در این دوران همیشه یک اصل توسعه شهری در ساختار و استخوان بندی شهر مورد توجه بوده و آن استفاده از توان‌های استخوان بندی موجود شهر و تقویت استخوان بندی، با احداث مجموعه‌های جدید شهری است.

ساخت و بافت قدیم شهر کرمان

آثار تاریخی بافت قدیم شهر کرمان را از نظر ساخت و بافت شهری و ارزش‌های موجود در آن می‌توان به دو بخش متمایز تقسیم کرد: در

بخش بافت شهری اکثریت آثار و بناهای مسکونی و به وجود آورنده بافت یا از بین رفته‌اند و یا فرسودگی بناهای مسکونی آن قدر شدید است که مرمت آنها اقدامی مشکل به نظر می‌رسد و یا در این بافت آپارتمان‌ها و واحدهای مسکونی جدیدی احداث شده است که هیچ‌گونه همگونی و مناسبتی با واحدهای مسکونی قدیمی شهر ندارد. بنابراین بافت شهر کرمان دچار مشکل اساسی و ساختاری شده است و نمی‌توان با سیاستها و برنامه‌های ساده انگارانه به احیاء آن و نگهداری ارزش‌های آن همت گمارد. اما در بخش ساخت شهری، عناصر متعددی، به ویژه در ستون فقرات شهر قدیم که شامل بازار چلیپایی شهر کرمان است، وجود دارد که همچنان به حیات کالبدی و فعالیتی و ... خود مشغول هستند. در این بناها آن چه مورد نیاز است دادن فعالیت جدید و مرمت بسیاری از آنها است که اکثریت بناهای فوق نیازمند مرمت کالبدی می‌باشند. از دیگر عناصر ساختاری شهر، مرکز محلات بافت قدیم است که اکثریت آنها مرکزیت فعالیتی خود را به شکل گذشته از دست داده‌اند و یا بسیاری از آن بناها از بین رفته‌اند و در حقیقت تک بناهای ساختاری محله‌ای باقی مانده است که بناهای مذهبی از عمده ترین آنها می‌باشند. محورهای ارتباطی بین مرکز محلات و بازار و ستون فقرات شهر به صورت عمده نقش گذشته خود را از دست داده و یا محورهای جدید در درون بافت به وجود آمده‌اند، البته محورهای گذشته نقش بسیار فرعی و دسترسی را حفظ کرده‌اند.

بنابراین در حال حاضر مشکل بافت شهری به صورت حاد بر پیکره نظام شهری کرمان دیده می‌شود و ساده لوحانه خواهد بود اگر تصور کنیم با سیاست‌های معمول و مرسوم موجود می‌توان به حفظ هویت کالبدی آن دست یافت. در بخش ساخت و عناصر ساختاری شهر هنوز جای امیدواری زیادی است و به ویژه ستون فقرات شهر قدیم و عناصر موجود در آن از نظر کالبدی سالم مانده‌اند. عناصر ساختاری محله‌ای و رابطه بین ستون فقرات شهر و مرکز محلات دارای مشکلات عدیده‌ای می‌باشند که مشکل آن هر چند کمتر از مشکل بافت شهری است ولی می‌توان با اقدامات مناسب به بهبود آنها امید بست.

حال در ادامه در قالب جدول SWOT به مشکلات و توان‌های بافت قدیم شهر کرمان در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی که در حفظ هویت شهر تاثیرگذارند می‌پردازیم. این مشکلات و توان‌ها می‌تواند رویکرد مناسب به احیاء و در نتیجه حفظ هویت بافت کرمان را ارائه و از اظهار نظرهای کوتاه مدت جلوگیری نماید.

جدول نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدات (SWOT) بافت قدیم شهر کرمان

عوامل بیرونی		عوامل درونی	
نقطه قوت	نقاط ضعف	فرصت‌ها	تهدیدات
<p>اقتصادی</p> <ul style="list-style-type: none"> وجود محرمات تجاری متعدد در ستون فقرات بافت قدیم وجود عناصر متعدد جهت جذب گردشگر در ستون فقرات شهر و مراکز محلات جاذبه‌ی فراوان محرمات تجاری در قسمت ویژه‌ای از ستون فقرات شهر 	<ul style="list-style-type: none"> از دست دادن کاربری بسیاری از عناصر استخوان بندی بافت قدیم از دست دادن کاربری اولیه اکثریت عناصر ساختاری بافت قدیم مشروع شدن بسیاری از عناصر مرکز محلات بافت قدیم تجمع واحدهای تجاری در بخش مرکزی بافت قدیم و اسباب خیابان‌ها و شبکه ارتباطی از وسائل نقلیه در مواقع خاصی از روز عدم وجود مراکز تامین نیازهای خاص گردشگران و جهانگردان 	<p>فرصت‌ها</p> <ul style="list-style-type: none"> تمرکز و توجه نظام برنامه ریزی و توسعه گردشگری به بناهای تاریخی و ستون فقرات شهر 	<p>تهدیدات</p> <ul style="list-style-type: none"> بازدهی پایین اقتصادی ساخت و ساز نسبت به بافت میانی و حاشیه‌های به وجود آمدن فرودگاه‌های بزرگ و تغییر مرکزیت نقل تجاری شهر از بازارهای بافت قدیم به بافت جدید
<p>اجتماعی</p> <ul style="list-style-type: none"> فعال بودن مدارس در بناهای تاریخی واقع در ستون فقرات بافت قدیم شهر فعال بودن مساجد و کتابخانه‌ها در مراکز محلات و ستون فقرات بافت قدیم شهر وجود تونل و فرهنگ وقف در مرمت بناها و آثار تاریخی شیربان تاریخی - گردشگری شریعتی 	<ul style="list-style-type: none"> وجود افراد و گروه‌های اجتماعی پایین در عناصر استخوان بندی بافت قدیم وجود گروه‌های اجتماعی بزرگوار و کجرو در محدود بافت قدیم مهاجرت ساکنین اولیه خانه‌های مسکونی به خارج از بافت قدیم و به حال خود رها شدن واحدهای مسکونی هرزبه بالای مرمت عناصر و بناهای تاریخی بافت قدیم و مشارکت اندک مردم کم اثر شدن ساز و کارهای وقف در مرمت آثار تاریخی و شلخت گرفتن فرسایش توجه محدود به مرمت بناها و آثار تاریخی و تشدید زمینه نامناسب بودن بافت قدیم از دست دادن عملکرد اصلی مسجد جامع و انتقال این کارکرد به خارج از بافت قدیم مشکلات ارث و مالکیت واحدهای مسکونی در بافت قدیم هجوم بسیار و بی‌روشن‌ها به عناصر و بناهای تاریخی در حاشیه عناصر ساختاری بافت قدیم 	<p>فرصت‌ها</p> <ul style="list-style-type: none"> محدود شدن و آغاز ریزش در حاشیه شهر و افزایش جاذبه تملک املاک و بناهای فرسوده و نوسازی آنها فرهیم بودن طرح احیا و نوسازی بافت قدیم در نظام توسعه شهری کرمان 	<ul style="list-style-type: none"> برنامه ریزی شهری نامناسب در توسعه شهر کرمان و تفکات بافت قدیم از طرح جامع شهر کرمان عدم وجود الگوی طراحی مناسب در بافت قدیم برخورد نامناسب شهرداری و سیستم مدیریت شهری در صدور مجوز احداث واحدهای تجاری در محورهای احیائی جدید خارج از بافت قدیم واگذاری اراضی زیاد در حاشیه شهر در قالب طرح‌های آماده سازی و ...
<p>کالبدی</p> <ul style="list-style-type: none"> وجود عناصر و بناهای ارزشمند تاریخی در بافت قدیم و ویژه در ستون فقرات شهر وجود مجموعه‌های شهری کارآمد از نظر تاریخی - فرهنگی و امکان جذب جهانگرد و گردشگر و وجود محورها و معابر فعال شهری در بافت قدیم 	<ul style="list-style-type: none"> فرسایش شدید در عناصر استخوان بندی بافت قدیم وجود بناهای تخریبی زیاد در محدوده بافت قدیم مخروبه و خالی شدن حاشیه عناصر استخوان بندی بافت قدیم و محدوده‌های متعدد در سطح بافت به حال خود رها کردن بعضی از عناصر ساختاری بافت قدیم و به وجود آمدن فرسایش و تخریب در آنها فدسترسی محدود بعضی از عناصر ساختاری بافت قدیم و جاذبه اندک آنها بهم وجود آمدن زمینه جدیدی ستون فقرات بافت قدیم از بافت شهری حاشیه آن به وجود آمدن زمینه تخریب و تعریض محوره‌های درون بافت قدیم و از بین رفتن ارزش‌های معماری و شهرسازی آنها وجود دسترسی نامناسب درون بافت قدیم و به حال خود رها کردن آنها عدم وجود هماهنگی ساخت و سازهای جدید با بناهای تاریخی بافت قدیم کرمان بهم وجود آمدن گروه‌های ترافیکی در بافت قدیم مشروع شدن بعضی از بازارهای - جنبی به ویژه بازار قلعه محمود محدود بودن کانون‌ها و مراکز اقامتی و پذیرایی در بافت قدیم شهر تراکم ناچیز جمعیتی در بافت قدیم و به ویژه در محاورت ستون فقرات شهر قدیم 	<p>فرصت‌ها</p> <ul style="list-style-type: none"> محدود شدن و آغاز ریزش در حاشیه شهر و افزایش جاذبه تملک املاک و بناهای فرسوده و نوسازی آنها فرهیم بودن طرح احیا و نوسازی بافت قدیم در نظام توسعه شهری کرمان 	<ul style="list-style-type: none"> برنامه ریزی شهری نامناسب در توسعه شهر کرمان و تفکات بافت قدیم از طرح جامع شهر کرمان عدم وجود الگوی طراحی مناسب در بافت قدیم برخورد نامناسب شهرداری و سیستم مدیریت شهری در صدور مجوز احداث واحدهای تجاری در محورهای احیائی جدید خارج از بافت قدیم واگذاری اراضی زیاد در حاشیه شهر در قالب طرح‌های آماده سازی و ...

تأثیر عوامل طبیعی بر شکل‌گیری کالبد

شیب طبیعی زمین که از ناهمواریهای نسبتاً مرتفع به سوی دشت جریان دارد، جملگی در دسترس ساکنان اولیه کرمان به عامل اصلی حیات (آب) موثر بوده‌اند.

از اینرو شهر کرمان با توجه به قرارگیری در میان کوه‌هایی که همچون کاسه دور تا دور آن را احاطه کرده‌اند از آب تمامی ارتفاعات اطراف خود که به داخل این دشت هدایت می‌شده‌اند بهره‌می‌برد.

همچنین خاک این منطقه شرایط مناسب جهت کشاورزی را فراهم آورده و شیب اراضی دشت کرمان برای حفر قنات و یا محل چشمه‌های طبیعی بسیار موثر بوده است. به این ترتیب وجود رشته قناتها در نقشه‌های قدیمی این ناحیه در سمت جنوبی و غربی قلعه دختر و قلعه اردشیر می‌تواند اشاره به شکل‌گیری زیستگاه‌های اولیه در این ناحیه داشته باشد.

دشت کرمان در میان دو رشته کوهی که از شمال شرقی و جنوب غربی آن می‌گذرند گسترده شده است. امتداد این دو رشته که از شمال غربی به جنوب شرقی است، در شکل‌گیری معابر شهر کرمان کاملاً موثر بوده است.^{۲۶}

عوامل اقلیمی تأثیرات خود را به وضوح در بافت شهر کرمان به خصوص بافت سنتی آن اعمال کرده‌اند. بافت شهری در این نواحی به هم فشرده و ابنیه متصل به هم هستند. کوچه‌ها باریک و با دیوارهای نسبتاً بلند و در مسیر یک خط شکسته امتداد دارند.

وجود دیوارهای بلند در کنار معابر در ایجاد سایه در مقابل تابش آفتاب و همچنین حفاظت معابر در مقابل بادهای کویری تأثیر به‌سزایی دارند.^{۲۷}

گرمای طولانی و شدید کرمان تأثیر همه‌جانبه‌ای بر ساخت فیزیکی



وجود دو عنصر هویت مند و بی‌هویت در کنار یکدیگر

و بافت و معماری آن گذارده است. بازار سرپوشیده و شهر سنتی کرمان تا آنجا که ممکن بوده، فشرده و متراکم و درون‌گرا است تا بتواند از حداکثر سایه برخوردار باشد و مستقیماً در مجاورت تابش آفتاب قرار نگیرد و همچنین در معماری بازار و خانه‌های مسکونی با ابتکاراتی که در معماری اقلیم گرم و خشک رایج است، همچون احداث بادگیر، آب‌نما، حوض، زیرزمین، تابستان‌نشین، زمستان‌نشین و ... سعی به سازگاری محیط نامطلوب با زندگی انسانی شده است.^{۲۸}

فقر نزولات جوی منجر به عدم وجود رودخانه‌های دائمی در منطقه کرمان شده است، لذا کشاورزی غالباً بصورت دیم‌کاری و مورفولوژی و شکل سکونت‌گزینی در دشت بصورت متمرکز پیرامون و گرداگرد چشمه و قنات یا چاه آب بوده است و سبب تراکم و بافت فشرده و متمرکز شهری - روستایی ناحیه کرمان شده است.

آب انبارها و تأثیر اقلیم

در شهرهایی که در پهنه گرم و خشک قرار داشتند و ریزش نزولات جوی کم بوده است، در فصل زمستان که آب بیشتر بود برای اینکه بتوانند آنرا ذخیره و در فصل گرم استفاده کنند، از مخازنی به نام آب



وجود عناصرنازبیا در سیمای محله و تخریب ساباط (عنصر هویت دار محله)

انبار استفاده می‌کردند. در ایران آب انبارها نقش عمده‌ای در زندگی مردم داشته‌اند و نیمه مقدس به شمار می‌رفته‌اند، زیرا اسلام از هدر دادن و آلوده کردن آب انسان را منع کرده است بنابراین موقعیت خاصی در فرهنگ مردم این سرزمین داشته‌اند.^{۲۹} آب انبار یکی از ارکان انسان ساخت هویتی بافت قدیم کرمان به شمار می‌رود.

تأثیرات کالبد در محیط طبیعی

کالبد کرمان به عنوان یکی از اجزاء اصلی در تبیین هویت شهر دخالت دارد. کالبد در واقع مشخص کننده مدنیت شهر و بخش مهمی از فرهنگ آن به حساب می‌آید.

در واقع می‌توان بافت کالبدی شهر را نمود فرهنگ و بازتاب عوامل انسانی و طبیعی در چهره شهر به حساب آورد. در رابطه با تأثیرات کالبدی در عوامل طبیعی و انسانی می‌توان آنها را در موارد زیر بیان داشت.

اولاً تأثیراتی را که این بافت کالبدی در محیط طبیعی داشته و ثانیاً تأثیراتی را که این کالبد بر ذهنیات و روحیات مردم آن شهر گذاشته است.

به عنوان نمونه قنات که در سازمان شهرهای سنتی واقع شده است، علاوه بر تأثیرات اساسی و ساختاری که در شکل‌گیری و توسعه بافت شهری داشته در برخی از مؤلفه‌های طبیعی شهر نیز تأثیرگذار است. به عنوان مثال در شهر کرمان با استفاده از آب قنات‌ها باغ‌های متعددی در داخل و اطراف شهر ایجاد گشته که اکثر آنها باغ‌های

خصوصی و کوچک بوده و بعضی نیز در مقیاس شهر مطرح بوده‌اند مانند باغ‌های بیرم آباد، باغ فتح آباد و باغ‌های فریزن و فرمتین.^{۳۰}

تأثیر کالبد بر ذهنیات و روحیات مردم

کالبد شهر قدیم به عنوان یک خاطره تاریخی در ذهن مردم شهر کرمان وجود دارد. مردم شهر، خصوصاً آنهایی که در سنین میانسالی و بالاتر قرار دارند از بناهایی چون تکایای قدیمی، محلات قدیم، راسته بازارها، مساجد تاریخی و میادین و بسیاری دیگر از این قبیل بناها خاطرات و ذهنیتهای فراموش نشدنی دارند.

محلاتی نیز براساس زمینه‌های شغلی مشترک یا نامگذاری به نام شغلی خاص گردیده است. در کالبد کرمان نیز چنین محلاتی وجود داشته است، مانند محله قالیبافان یا چوپان محله.

عوامل موثر در ایجاد شاخص‌های هویتی در برخی مؤلفه‌های کالبدی
قرارگیری کارکردهای مختلف دریافت شهر را می‌توان به چند دسته تفکیک کرد:

- ۱- بازار کرمان به عنوان ستون فقرات و جایگاه اصلی بافت سنتی این شهر تاریخی
- ۲- عناصر کالبدی شاخص با کارکردهای عموماً مذهبی و اجتماعی مانند تکیه‌ها، مساجد، حسینیه‌ها، خانه‌های وقفی.

- ۳- ابنیه عمومی خدماتی مانند حمام‌ها، سراها، کاروانسراها، میادین (میدان ارگ) و آب انبارها

- ۴- ابنیه اداری و حکومتی مانند ارگ.

- ۵- ابنیه و عناصر دفاعی شهر مانند برج و بارو، قلعه.

مجموعه‌های کرمان از ذخائر غنی کالبدی این شهر است که توانسته است عناصر کالبدی متنوع به همراه کارکردهای مختلف را یکجا گرد هم آورد. به عنوان مثال مجموعه گنجعلیخان در دوره صفوی، مجموعه ابراهیم خان از دوره قاجار و مجموعه حاج آقا علی در اوایل قرن سیزدهم می‌توان نام برد.

سایر عناصر کالبدی شاخص بافت قدیم شامل موارد زیر می‌شود:



وجود نماهای نازیبا و ناهمگون با هویت بافت محله



وجود سقف شیروانی (نامناسب بودن آن با اقلیم منطقه)

زمانی، در قالب مکانهای متمایز نظیر زیارتگاهها، مساجد، میدانها و... شکل می‌گیرند. مکان‌هایی اینچنینی که پایدار مانده‌اند، تجسم کالبدی ارزشهای نظیر اقتدار، قدرت، هویت و شهر هستند.

در صورت ایجاد گسستگی میان گذشته و امروز از طریق عدم انسجام کالبدی هویت انسان و نسبت او با خود و گذشته شهر مخدوش خواهد شد.

به منظور پیش‌گیری از این رخداد لازم است انسان همواره با گذشته تاریخی شهر خود از طریق کالبد شهر و تحولات رخ داده در آن قرار گیرد تا نظم و پیوستگی کالبدی به وجود آید. بدین ترتیب با توجه به عوامل یاد شده، ضرورت شناسایی نیروهای پیوند دهنده بافت قدیم و کلیت شهر بوجود می‌آید.^{۳۱}

یکی از عوامل پیوند دهنده بافت قدیم سلسله مراتب دسترسی به بناها بوده است. سلسله مراتب و حفظ حریم در شهر ایرانی تجلی کالبدی دارد. چه در مقیاس خانه و فضاهای میانی مانند راهروهای پیچ در پیچ و هشتی و ورودی خانه و چه در مقیاس محله و وجود فضاهای نیمه عمومی - نیمه خصوصی مانند کوچه‌های بن بست. این سلسله مراتب از ویژگیهای شهر ایرانی اسلامی می‌باشد. شهرهای سنتی و بافت قدیم شهرها از چنین نظامی پیروی می‌کنند.

از مساجد مانند: مسجد جامع مظفری و... مسجد ملک کاروانسراها از جمله: کاروانسرای وکیل، کاروانسرای گنجعلیخان، کاروانسرای ابراهیم خان

آب انبارها مانند: آب انبار گنجعلیخان، آب انبار حاج آقا علی حمام‌ها مثل: حمام معروف گنجعلیخان، حمام ابراهیم خان و... بازار بزرگ کرمان و راسته بازارهای آن

تکایا مانند: تکیه پامنار، تکیه ته باغ لله، و تکیه پا اجاق در دوره‌ای تحولات اجتماعی و سیاسی خاصی که در کرمان شکل گرفته است باعث اوج‌گیری روند ساخت و ساز بناها، افزایش جمعیت و ساخت بناهای متناسب با زمان و موقعیت آن شده‌اند. بناهایی مانند مجموعه گنجعلی خان، مجموعه ابراهیم خان، مجموعه بناهای قراخانیان و...

می‌توان از این بناها به عنوان عناصر هویتی شاخص در دوره خود نام برد که به علت تداوم عملکرد و مکان‌یابی مناسب آنها در کالبد شهر و همچنین کیفیت‌های بصری و فنی آنها استمرار یافته‌اند.

بنابراین بطور خلاصه می‌توان گفت تداوم یافتن عناصر کالبدی و تبدیل آنها به عناصر هویتی تحت تاثیر عوامل زیر بوده است:

■ مکان‌یابی یا قرارگیری این بناها در نقاط عطفی از کالبد شهر مثلاً محل تقاطع گذرهای اصلی و یا در راسته بازار و یا میدانگاه‌های اصلی.

■ پاسخ دهنده بودن این عناصر کالبدی به رفتارهای اجتماعی و عملکردهای متنوع و مداوم در طول زمان، مانند: برگزاری مراسم آیینی، تجمعات - خرید و معاملات اقتصادی، مکث و استراحت.

■ اهمیت سیاسی و یا مذهبی آنها مانند مساجد و ارگ حکومتی

■ کیفیت فضایی آنها به لحاظ غنایی بصری و همچنین کیفیت ساخت آنها که تداوم این گونه بناها را در طول زمان میسر ساخته و آنها را به عنوان شاخص‌های هویتی شهر مطرح نموده است.

علاوه بر عناصر کالبدی فوق‌بخش مهمی و یا در واقع مهمترین بخش از این عناصر را محلات مسکونی و خانه‌ها در بر می‌گیرند که خود حتی تعیین‌کننده شرایط شکل‌گیری دیگر عناصر کالبدی بوده‌اند. شکل‌گیری این مساکن در مجموعه‌ای به نام محلات مسکونی صورت گرفته است که این محلات خود از عناصر هویتی بسیار مهم در شهری مانند کرمان محسوب می‌شوند.

بناها می‌توانند روابط با محیط را درونی کنند. به عبارت دیگر روابط کالبدی، زیست‌شناسی، روانشناسی موجود میان فرد و جمع را در یک مجموعه فضایی - مکانی جمع کنند. مانند بازتاب اسطوره، مذهب، هویت ملی و منطقه‌ای که به صورت ساخته‌های فضایی -

این ویژگی هویت شهر ایرانی است. وحدت شهرهای قدیم که یک کلیت را نشان می‌دادند ویژگی آنهاست. شهر کرمان نیز از این قاعده مستثنی نیست. استفاده از مقیاس انسانی در سطح خرد و کلان، مشابهت فرمها و مصالح مشابه و همگون شهر را به صورت یک کلیت در آورده بود. اکنون توزیع نامتوازن فضاها را در شهر شاهد هستیم و فضاهای شهری در نقاطی خاص تمرکز یافته‌اند که دلیل این امر را می‌توان پیشی گرفتن سرعت توسعه شهر به نسبت فضاهای عمومی و بناهای عام دانست.

در دوره معاصر با گسترش تک بعدی شهر ارتباط میان این فضاها قطع شد و شهر یکپارچگی خود را از دست داد. در گذشته فضایی مانند بازار کالبد اصلی شهر را شکل می‌داد و به هم متصل می‌کرد. اما اکنون خیابانها بلوک‌های مختلف را به هم متصل می‌کند در حالیکه کلیت واحدی را در ذهن مجسم نمی‌کنند.

مولفه‌های هویتی خنثی در شهر کرمان

مولفه‌های انسانساخت

زمینهای خالی داخل شهر اگر در ساز و کار ساخت و ساز شهری بناهایی واجد ارزشهای معماری و فضایی شهری در آنها احداث گردد می‌توانند دارای بار خنثی در تبیین هویت محسوب گردند اما در صورتی که این زمینها صرفاً به عنوان نمودهایی از تخریب و یا برهم زنده نظام بصری شهر باشند قطعاً جزء عناصر منفی در تبیین هویت شهر محسوب خواهند شد.

مولفه‌های هویتی منفی در شهر کرمان

مولفه‌های انسانساخت:

- ناهماهنگی میان بافت جدید و قدیم که باعث ایجاد نوعی اغتشاش در چهره شهر شده است.
- اغتشاش وعدم تناسب در برخی جداره‌های شهری.
- استفاده نامناسب از مصالح در برخی بناها و جداره‌ها.
- پایین بودن ارزشهای هنری در طراحی برخی از بناها.
- تخریب بخش هایی از بافت شهر و مخدوش شدن منظر شهری.^{۳۲}

دسته بندی عناصر هویتی

این شاخص را در سه دسته مولفه‌های مثبت، منفی و خنثی بیان می‌کنیم:

- مولفه‌های هویتی مثبت کرمان

مولفه‌های انسانساخت:

برخی عناصر کالبدی جزء شاخص‌های هویتی مثبت شهر کرمان محسوب می‌شوند. عناصر کالبدی همچون:

■ محلات قدیمی کرمان و عناصر آنها از قبیل، مساجد، تکایا، آب انبارها، حسینیه‌ها.

■ مجموعه‌های تاریخی کرمان که از ذخائر کالبدی آن محسوب می‌شوند و عناصری با کاربری‌های متفاوت را در خود جای داده‌اند.

■ بازار بزرگ کرمان که به لحاظ ساخت معماری، سابقه تاریخی و کارکردها و مجموعه‌های اطراف آن واجد شخصیت و هویت مثبتی می‌باشد.

■ کاروانسراها که در کنار مجموعه بازار یا بیرون آن شکل گرفته‌اند.

■ باغ‌های کرمان نیز از عناصر شاخص کالبدی آن به حساب می‌آیند. ■ دیگر بناهای شهر که سابقه تاریخی داشته به لحاظ ارزشهای معماری و فضاهای شهری واجد مفهوم هویت مثبت برای



نمای بی هویت و نامناسب بافت اطراف



قرارگیری نابجای برخی از عناصر

جمع بندی و پیشنهادات:

تعیین کننده نگرش هر انسان در محیط زندگی، هویت آن محیط است. هویت است که در انسان انگیزه و نشاط ایجاد می‌کند. در فضای بی هویت همه افراد باهم و با محیط زندگی اشان بیگانه هستند، هویت است که تکامل فکری افراد را جهت می‌بخشد و آن را می‌سازد و آنان را نسبت به محیط زندگی اشان دلگرم و امیدوار می‌سازد.

باید با همکاری و مشارکت مردم و مسئولان شهری در امر حفظ ارکان هویتی گذشته شهر و هویت بخشی به عناصری که به تازگی ایجاد شده و یا در آینده ایجاد می‌شود، شهری هویت مدار داشت.

رهنمودهای پیشنهادی

هدف ۱: کنترل و هدایت الگوی کثرت گرای حاکم بر ساخت و نما توضیح: یکی از مسائلی که به تازگی در شهر کرمان رواج پیدا کرده، ساختمان‌هایی با ساخت و نماهای نامناسب با اقلیم و الگوهای سنتی گذشته است. مثلاً در قدیم ساختمانها با سقف گنبدی که مناسب با اقلیم کویر می‌باشد ساخته می‌شد. یکی از مزایای سقف گنبدی این است که به علت مدور بودن آن در رابطه باتابش نور خورشید، همیشه در طول روز یک قسمت از خانه سایه می‌باشد که این مسئله به کاهش گرمای طاقت فرسای روز کویر کمک شایانی می‌کند. در حال حاضر تکنیک ساخت ساختمانهای سنتی با فنون مقاوم سازی ابنیه ترکیب نمی‌شود و ساخت مناسب با اقلیم و مستحکم نمی‌باشد. با توجه به مواردی که در قسمت منطقه گرایی توضیح داده شد تقلیدات بی جا از گذشته به علاوه نکات منفی سبک مدرن با یکدیگر ترکیب شده و در ساختمانهای جدید به کار برده می‌شود به طور مثال احداث بناهایی با سقف شیروانی.

سقف شیروانی که مناسب اقلیم معتدل و مرطوب است برای بارندگی‌های سالانه قابل توجه به کار برده می‌شود. در کرمان با آب و هوای گرم و خشک و کویری که دارای روزهای بسیار گرم در تابستان و شب‌های بسیار سرد است، سقف شیروانی (که بیشتر از جنس فلز است) روزهای گرمتر و شبهای سردتری را در داخل ساختمانها موجب می‌شود.

شکل گیری این الگو، ناشی از خواست و سلیقه ساکنان شهر بوده و تنوع گروه‌های قومی - اجتماعی ساکن در شهر نیز موثر است. لازم است ضمن احترام به خواست مردم، حدود دخالت آنها در شکل دهی به ساختمان‌ها و نماهای آنها مشخص شده و مرز میان حوزه دخالت مسئولان و ساکنان مشخص شود.

به علاوه، معماران و طراحان شهری وظیفه دارند الگوهای مناسب و مطلوبی ایجاد کنند که بتواند سطح سلیقه عموم را ارتقاء داده و جانشین مدل‌های مبتذل و بازاری شود و الگوهای مناسب با اقلیم، مستحکم و زیبا در شهر اجرا گردد.

پیشنهاد ۱: مطالعه الگوهای موجود و کهن نماسازی و ساخت ابنیه در بافت قدیم شهر

پیشنهاد ۲: شناسایی و تفکیک حوزه‌های دخالت ساکنان و مسئولان در طراحی نما و ساخت ساختمانها و هدف تدوین ضوابط طراحی

هدف ۲: اصلاح و بازنگری قوانین شهرداری و تقویت ارتباط آنها با ساختار کالبدی و الگوهای سنتی شکل گیری ساختمانها در محله‌های مختلف شهر

توضیح: یکی از ویژگیهای بارز شهر کرمان، تنوع کالبدی محله‌های مختلف شهر است. علی رغم وجود قوانین ساختمانی نسبتاً یکسان در کل شهر، تفاوت‌های محله‌ای در محله‌های شهر بوجود آمده است.

پیشنهاد ۱: حفظ نام محله‌های شهر و حفظ حدود آنها با توجه به محدوده‌های تاریخی، نام و شهرت آنها

پیشنهاد ۲: حفظ میراث معماری محلی گونه‌های اصیل و قدیمی موجود در هر یک از محله‌های شهر

پیشنهاد ۳: کاربرد مناسب رنگ از طریق مطالعه و شناخت رنگ‌های مناسب

پیشنهاد ۴: توجه به مقیاس بافت موجود از نظر ارتفاع و دانه بندی

هدف ۳: حفظ سنت‌های زنده و ارزشمند معماری و شهرسازی

توضیح: سنت زنده نشان دهنده قابلیت بقا، انعطاف پذیری و تطابق با زمان یک مفهوم یا الگوست. لازم است تا حد امکان تداوم حیات این سنت‌ها حفظ شده و به عنوان الگو مورد استفاده قرار بگیرد.

پیشنهاد ۱: طراحی معابر با رعایت اصل سلسله مراتب و حفظ حریم نواحی خصوصی

پیشنهاد ۲: توجه به نقش هسته مرکزی - تاریخی شهر در ایجاد ارتباط و وحدت میان اجزای شهر و تاکید بر برتری نقش فرهنگی آن نسبت به نقش اقتصادی

پیشنهاد ۳: تاکید بر نقش مسجد به عنوان یک عنصر شاخص و نشانه شهری در منظر کلی شهر

پیشنهاد ۴: مبادی ورودی شهر نقش مهمی در معرفی آن به عنوان یک کل متمایز از محیط پیرامون دارند، لذا باید تقویت شده و بر نقش نمادین آنها تاکید شود.

پیشنهاد ۵: نشانه‌ها نقش مهمی در ایجاد هویت، وحدت و ارتباط میان اجزای شهر دارند. لازم است، با تحلیل محورهای دید مناسب و ویژگی‌های جغرافیایی کرمان، مکان یابی مناسبی برای بناها و یادمانهایی که نقش نشانه‌ای خواهند انجام گیرد و چهارچوب مناسبی برای درک کل شهر فراهم شود.

پیشنهاد ۶: توجه به ایجاد و حفظ فضاهای سبز

پیشنهاد ۷: حفظ حریم واحدهای مسکونی و اجتناب از بلند مرتبه سازی در مجاورت بافت‌های مسکونی کم ارتفاع

پیشنهاد ۸: حفظ ویژگی‌های متمایز و ارزشمند بافت قدیم از طریق شناخت ارزشهای کالبدی آنها و به کارگیری آن در طرحهای جدید

هدف ۴: حفظ ویژگی‌های طبیعی و تقویت تاثیر آنها در ساختار کالبدی

توضیح: شهر کرمان دارای ویژگی‌های طبیعی قابل توجهی است که پتانسیل‌های لازم برای تاثیر در سهای کلیت شهر را دارا می‌باشد. لازم است به این ویژگی‌ها توجه شده و از قابلیت‌های آنها برای ایجاد تمایز در کالبد شهر استفاده شود.

پیشنهاد ۱: توجه به جهات اقلیمی مناسب به منظور محافظت از بادهای نامطلوب و هدایت جریانهای مطلوب هوا و ایجاد سایه در

طراحی معابر شهر.

پیشنهاد ۲: گشودن دید به عوارض طبیعی شهر

پیشنهاد ۳: استفاده از درختان بومی در بدنه سازی خیابانها و معابر

پیشنهاد ۴: استفاده از آب به منظور تلطیف هوا و زیبایی معابر^{۳۳}

پیشنهاد ۵: استفاده از مصالح مناسب برای کفسازی خیابان به گونه‌ای که با شرایط اقلیمی کرمان مطابقت داشته باشد.

پیشنهاد ۶: طراحی ابعاد پنجره‌ها، جزئیات نما، سایبان و امثال آن باتوجه به شرایط اقلیمی کرمان.

نتیجه گیری و جمع بندی

از این که بافت قدیم کرمان یکی از ارزشمندترین بافت‌های شهری کشور به ویژه در بخش ساخت شهری و عناصر ساختاری می‌باشد بر کسی جای شک و تردید نیست. این بافت دارای دوره‌های توسعه گوناگونی است که در هر دوره‌ای آثار و یا مجموعه‌ای بر بافت قبلی اضافه شده است، بدون این که بر بافت گذشته خدشه‌ای وارد آورد. این روند تا اوایل قرن حاضر تداوم داشت، اما با ورود و اجراهای الگوهای توسعه جدید شهری و احداث خیابان‌ها در بافت شهری، نه تنها به گذشته شهر توجهی نشد بلکه موجبات چند پارگی آن نیز فراهم آمد به گونه‌ای که خیابان شریعتی (پهلوی) و فلسطین (صمصام) بافت شهر کرمان را به صلیب کشیدند. این محورها در دهه‌های بعد بسیاری از واحدهای جدید تجاری را در کنار خود پذیرا شدند، و بدین ترتیب رقیبی جدی برای ستون فقرات و بازار شهر قلمداد گردیدند. به عبارتی بافت قدیم دارای دو ستون فقرات جدید و قدیم گردید. در همین حال توسعه بیرونی شهر نیز با تفکیک‌های گسترده شروع شد و بسیاری از ساکنان اصلی شهر به این کانون‌های جدید تغییر مکان دادند. آنان واحدهای قبلی خود را رها کردند و هیچگونه اقدام مرمتی بر روی آنها انجام نمی‌دادند. در کنار فرسودگی واحدهای مسکونی، بناهای عام المنفعه نیز چون حمام، آب انبار، کاروانسرا و ... در مقابل راه‌اندازی و متروکه شدند، تا این که تعداد معدودی از آنها دارای عملکرد موزه و چاپخانه سنتی گشته و اکثریت آنها بدون کارکرد و عملکردی دچار فرسودگی کالبدی نیز شدند. در این شرایط توده‌های عظیمی از بناهای خشتی کشور که نیاز مبرمی به مرمت دائم داشتند روند فرسایش و تخریب را پشت سر گذاشتند و آن چه از بافت قدیم کرمان باقی مانده است عناصر ساختاری و کوچه‌ها و معابر قدیمی شهر و واحدهای مسکونی فرسوده و یا نوسازی شده بدون هماهنگی با بناهای مسکونی مجاور و قدیمی شهر و از بین رفتن نقش عناصر مرکز محلات شهر است. در همین حال مدیریت شهری خود را در مقابل توده‌ای از مشکلات

۱۸-Ozkan, Suha "Regionalism within modernism"
in the proceedings of the Regional seminar, December ۱۷-۲۲, ۱۹۸۵
۱۹-Woodward, Kath.
"Questions of identity in: Kath Woodward (Ed.) Routledge, ۲۰۰۰
۲۰-Frampton, Kenneth. "Towards a Critical regionalism"
in: molcom Miles (Ed.) The city culture reader. Routledge, ۲۰۰۰
۲۱-Tzonis, Alexander and Lefaivre, Liana. "Architecture in Europe,
Critical regionalisms and the design of identity" prestel verlag, ۲۰۰۲
۲۲-Lang, Jan and, others. "Architecture
and independence, the search for identity - India ۱۸۸۰ to ۱۹۸۰
۲۳-Yeang, Ken. "Tropical

urban regionalisms". Published by concept media pteltd., Singapore, ۱۹۸۷
۲۴-بهبزادفر، ۱۳۸۶: ۷۸.
۲۵-همان: ۷۹
۲۶-پور احمد؛ ۱۳۷۶: ۱۳۵
۲۷-قبادیان؛ ۱۳۸۲: ۱۲۶
۲۸-بهبزادفر؛ ۱۳۸۶: ۴۹۹
۲۹-همان: ۵۰۳
۳۰-سازمان بهسازی و نوسازی کرمان؛ ۱۳۸۳: ۲۳۰ و ۲۹۹
۳۱-بهبزادفر؛ ۱۳۸۶: ۵۳۰
۳۲-میرمقتدایی؛ ۱۳۸۵: صص ۱۴۴-۱۵۰

منابع:

۱-میرمقتدایی، مهتا. «هویت کالبدی شهر»، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، ۱۳۸۵
۲-زنگی آبادی، علی. «جغرافیا و برنامه ریزی شهر کرمان»، مرکز کرمان شناسی، ۱۳۷۰
۳-فرجامی، محمد رضا. «ساخت کالبدی شهری» جلد اول مجموعه مقالات همایش شهرسازی ایران
۴-نقی زاده، محمد. «ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی» سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان؛ ۱۳۸۶
۵-فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۹، بهار ۱۳۸۷
۶-آبادی، شماره ۴۸، پائیز ۱۳۸۴
۷-یادمان، هویت مکانی یک فضای شهری، نشریه مرکز ارتباطات بین المللی تهران، شماره ۴۵، خردادماه ۱۳۸۶

بافت قدیم شهر کرمان نظاره گر می بیند که فعالیت های موجود در این بافت قطره ای در مقابل دریا هستند در این شرایط باید سیاست توسعه شهری هماهنگی در راستای بافت قدیم کرمان به وجود آید. راهبردهایی چون تهیه طرح احیاء بافت قدیم، به وجود آوردن عملکردهای تاریخی و فرهنگی بر اساس قوانین و مقررات مصوب در ارتباط با بافت قدیم کرمان، و به وجود آوردن زمینه مشارکت مردم و همکاری متولیان توسعه شهری در احیاء بافت قدیم باید مد نظر قرار گیرد.

به عبارتی این راهبردها براساس مسائل و مشکلات درون بافت قدیم شهر و نوع تفکرات مردمی از بافت قدیم و جدید شهری، رویکرد مدیریت شهری کرمان به بافت قدیم و توان محدود دولت به احیاء و نوسازی بافت قدیم می باشد. در این شرایط چاره ای جز به وجود آوردن در زمینه سرمایه گذاری مردم در احیاء بافت در ابعاد گوناگون نمی باشد. به ویژه عنصری که در حال حاضر در بافت وجود دارد، زمینه گردشگری فعال را دارد و می توان با احیای بافت قدیم به توسعه و تقویت گردشگری پرداخت.

بدون اینگونه رویکردها روز به روز معضل بافت قدیم بیشتر می شود تا جایی که تنها باید به عناصر ساختاری گذشته و تک بناها اشاره نمود؛ این نیز یعنی از دست دادن بخشی از ارزش ها و شاخص های هویت شهر کرمان.

پی نوشت:

۱-معین ۱۳۷۵.
۲-دهخدا صص ۲۰۸۴۷، ۲۰۸۶۶ و ۱۰۸.
۳-معین، ۵۱۶۸
۴-دهخدا ۲۰۷۷۹.
۵-Development change
۶-Ego Identity
۷-هچل وزیگلر، ۱۶۱.
۸-هچل وزیگلر، صص ۱۶۰ و ۱۶۱.
۹-همان، صص ۴۰۹.
۱۰-صص، ۷۴
۱۱-آگ برن و نیم کف، زمینه جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس امیر حسین آریان پور
۱۲-پاکزاد، ۱۳۷۵: ۱۰۲
۱۳-تاجبخش، ۱۳۸۰: ۳۸
۱۴-بهبزادفر، ۱۳۸۶: ۵۴
۱۵-بهبزادفر، ۱۳۸۶: ۵۶
۱۶-جهانبگلو، ۱۳۸۰: ۲۵-۱۰
۱۷-بهبزادفر، ۱۳۸۶: ۵۹